Theories and criticism in Arabic literature
The Third Year, Number ١١, Autumn ١٤٠٢
Pp:٨٣-١٠٠

Research Paper

DOI: ١٠,٢٢٠٣٤/JRAL.٢٠٢٦,٥٦٦٢٦٨,١٠٨٨

Explanatory study of the verses of Makhtum to « La Khouf Alehim Wa La Ham Yahzun» with an educational approach

Zahra Akbari [١]

Sayedeh Farnaz lttehad [٢]

Vahide Ghasemzadeh [٣]

(Received: ٢٠٢٥,١٢,١٤ ,Accepted: ٢٠٢٦,٠١,٠٢)

Abstract

In the Holy Quran, twelve verses end with the phrase “There is no fear for them, nor will they grieve,” which refers to a kind of reward and psychological security for believers in this world and the hereafter. Fear and sadness are two main obstacles to human peace and psychological security that make them vulnerable to the difficulties and sufferings of life. The Holy Quran, as a source of guidance, expresses the issue of human salvation in various ways. This study, with a descriptive-analytical approach, has examined the representation of verses ending with “There is no fear for them, nor will they grieve” in the interpretations. The findings show that the level of knowledge, faith, and behavior of believers play a decisive role in realizing the negation of fear and sorrow, and these characteristics, in addition to the reward of the hereafter, also provide them with peace and psychological security in this world. The verses under study have been analyzed using interpretations and translations and show that the negation of fear and sorrow is the result of pure worship, observance of obligations, gratuitous spending, and benevolence of believers before God, and this state is realized for them both in this world and in the hereafter.

Keywords: Fear, sadness, reward, this world and the hereafter, review of the translation of the Holy Quran

---

١. Assistant Professor Department of Quran and Hadith Sciences, Faculty of Humanities, Kosar University of Bojnord, Bojnord, Iran, Email: Kosar@gmail.com

٢. Visiting Professor Department of Quran and Hadith Sciences, Faculty of Humanities, Kosar University of Bojnord, Bojnord, Iran, Email: farnazettehad٩٦٨@gmail.com (Responsible author).

٣. Master's student Department of Quran and Hadith Sciences, Faculty of Humanities, Kosar University of Bojnord, Bojnord, Iran, Email: w٣٥٣٣٤٧١٥@gmail.com

© The Author(s). **Publisher**: Kosar University

التنظيرات و النقد في الأدب العربي

السنة الثالثة، العدد ١١، خريف ١٤٠٢

صص: ١٠٠-٨٣

DOI: ١٠,٢٢٠٣٤/JRAL.٢٠٢٦,٥٦٦٢٦٨,١٠٨٨

بررسی تفسیری آیات مختوم به «لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» با رویکرد تربیتی

زهرا اکبری [١]

سیده فرناز اتحاد [٢]

وحیده قاسم‌زاده [٣]

(تاریخ دریافت: ١۴٠۴,٠٩,٢٣، تاریخ پذیرش: ١۴٠۴,١٠,١٢)

چکیده

در قرآن‌کریم، دوازده آیه با عبارت «لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» پایان می‌یابند که به نوعی پاداش و امنیت روانی مؤمنان در دنیا و آخرت اشاره دارد. خوف و حزن دو مانع اصلی آرامش و امنیت روانی انسان هستند که او را در برابر دشواری‌ها و رنج‌های زندگی آسیب‌پذیر می‌سازند. قرآن‌کریم به عنوان منبع هدایت، موضوع نجات انسان را از طرق مختلف بیان می‌کند. این پژوهش با رویکرد توصیفی- تحلیلی، بازنمایی آیات خاتمه‌یافته به «لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» را در تفسیرها مورد بررسی قرار داده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که میزان معرفت، ایمان و رفتار مؤمنان نقش تعیین‌کننده‌ای در تحقق نفی خوف و حزن دارد و این ویژگی‌ها، علاوه بر پاداش آخرت، آرامش و امنیت روانی در دنیا را نیز برای آنان فراهم می‌سازد. آیات مورد بررسی با بهره‌گیری از تفاسیر و ترجمه‌ها تحلیل شده‌اند و نشان می‌دهند که نفی خوف و حزن نتیجه عبادت خالص، رعایت واجبات، انفاق بی‌منت و احسان مؤمنان در پیشگاه خداست و این حالت هم در دنیا و هم در آخرت برای آنان محقق می‌شود.

واژگان کلیدی: خوف، حزن، پاداش، دنیا و آخرت، بررسی ترجمه قرآن‌کریم.

---

١. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه کوثر بجنورد، بجنورد، ایران، ایمیل: Kosar@gmail.com

٢. استاد مدعو گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه کوثر بجنورد، بجنورد، ایران، ایمیل: farnazettehad٩٦٨@gmail.com (نویسنده مسئول)

٣. دانشجوی کارشناسی‌ارشد گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه کوثر بجنورد، بجنورد، ایران، ایمیل: w٣٥٣٣٤٧١٥@gmail.com

© حق مولف نویسندگان **ناشر:** دانشگاه کوثر

۱. بیان مسأله

یکی از مسائل مهم و بنیادینی که انسانِ امروز با آن مواجه است، مسأله‌ی دستیابی به آرامش پایدار و رهایی از غم، ترس و اضطراب‌های مداومی است که زندگی فردی و اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. هر مکتب الهی یا غیرالهی، راهکارهایی را برای کاهش رنج‌های روانی و فراهم ساختن احساس امنیت و امید ارائه کرده است. قرآن‌کریم نیز به عنوان منبع هدایت انسان، در مواجهه با ترس و اندوه که از مهم‌ترین موانع آرامش و رشد معنوی به شمار می‌آیند، رهنمودهایی روشن و متقن بیان می‌کند.

از جمله تعابیر بسیار برجسته و تأثیرگذار قرآن در این زمینه، عبارت «لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» است که در دوازده آیه‌ی قرآن تکرار شده و بیانگر نوعی پاداش و امتیاز برای گروهی از مؤمنان در دنیا و آخرت است.[۱] با وجود تکرار این آیه در موارد متعدد، چیستیِ دقیقِ ویژگی‌های این افراد، میزان معرفت و ایمان و عمل صالح (مائده/ ۶۹)، اقامه نماز (بقره/ ۲۷۷)، انفاق (بقره/ ۲۶۲) و... است که خداوند در ازای آن‌ها، رفع خوف و حزن را به مؤمنان عطا می‌فرماید. آنچه به عنوان قدر متقین از این آیات برداشت می‌شود، همان طور که مفسرانی چون (طبری، ۱۴۱۲، ۱: ۳۹۴ ؛ طبرسی، ۱۳۷۷، ۱: ۳۵۸ ؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ۲: ۱۲۰؛ مظهری، ۱۴۱۲، ۱: ۱۱۵؛ حقی بروسوی، بی‌تا، ۱: ۲۰۷؛ شبر، ۱۴۱۴، ۱ : ۵۶) اشاره کرده‌اند؛ نمونه بارز این بشارت، آیه ۶۸ سوره مبارکه زخرف است که می‌فرماید: «يا عِبادِ لاخَوْفٌ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ وَ لا أَنْتُمْ تَحْزَنُون»[۲]؛ سخنی از جانب خداوند در روز قیامت که اهل تقوا را مخاطب قرار داده و بشارت دوری از اندوه را به آنان می‌دهد (طباطبائی، ۱۴۱۷، ۱۸: ۱۲۱).

با آنکه مفسران قرآن‌کریم معمولاً در ذیل آیات مذکور به مدح مؤمنان پرداخته‌اند، اما کمتر پژوهشی به تحلیل هم‌زمانِ موقعیت پاداش، شرایط دستیابی به آن، و نقش معرفتی- تربیتی این آیات پرداخته است و همچنان نیازمند تحلیل و تبیین نظام‌مند است؛ ازاین رو، مسأله‌ی اصلی پژوهش حاضر آن است که:

مفهوم «لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» چه موقعیت‌هایی را در آیات قرآن‌کریم معرفی می‌کند و چه زمینه‌های معرفتی، اخلاقی و رفتاری موجب تحقق این مقام می‌شوند؟

پژوهش حاضر با روش توصیفی- تحلیلی با بررسی آرای تفسیری، ساختار معنایی این آیات، مصادیق برخورداران از پاداش، و پیوند آن با مسأله‌ی آرامش، هدایت و تکامل انسان را روشن کند تا از این طریق، فهمی دقیق‌تر در یکی از وعده‌های بنیادین قرآن یعنی «رهایی از خوف و حزن» ارائه دهد.

۱-۲. پیشینه تحقیق

با توجه به پژوهش‌های متعددی که دربارهٔ خوف و رجا صورت گرفته است ولی تاکنون پژوهشی به صورت ویژه به آرای تفسیری ذیل آیاتی که به صورت موضوعی به مبحث خوف از خداوند متعال پرداخته باشد انجام نشده است. از جمله پژوهش‌هایی که تاکنون انجام شده است:

– پژوهشی که با نگاه سبک‌شناسانه به این آیه پرداخته است با عنوان «سبک‌شناسی لایه نحوی در تعبیر قرآنی «لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» انجام شده است که بیشتر نگاهی ادبی و زبانی به این آیه دارد (امانی، ۱۴۰۴) و مباحث تفسیری و تربیتی در آن موردنظر نبوده است.

– مقالهٔ «خوف و رجا از منظر امام صادق (ع)» پژوهشی است که با محوریت بررسی حدیث امام معصوم (ع) نگارش شده است و در اصل رنگ و بوی تفسیری ندارد (طارمی و محمدزاده، ۱۴۰۳).

– مقالهٔ «بررسی مصونیت اولیای الهی از خوف و حزن با محوریت عبارت «لا خوف علیهم ولا هم یحزنون» مورد دیگری است که به طور ویژه احوالات اولیای الهی را مورد بررسی قرار داده است (شیشه‌چی و شاه‌پسند، ۱۳۹۷) و با نگاه تربیتی و بررسی آرای تفسیری این مورد تفاوت دارد.

در پژوهش‌های فوق‌الذکر چنانچه تبیین شد بررسی یک آیه از این مجموعه آیات مورد توجه بوده است و با مفهوم حدیثی آن مورد بررسی قرار گرفته است و هیچ یک نگاه تفسیری و آن هم به مجموع این ۱۲ آیه نداشته است. این تعبیر قرآنی و تکرارهای آن در متن قرآن‌کریم به صورت مستقل مورد بررسی قرار نگرفته است و از آنجا که آیات قرآن همه در یک جهت و نور واحد هستند ضروری می‌نماید این دسته آیات که هم موضوع و حتی از لحاظ لفظ و واژگان یکسان هستند مورد بررسی تفسیری قرار گیرند.

۲. بررسی معنای لغوی «خوف» و «حزن»

«خوف» و «حزن» دو حالت نفسانی‌اند که از یک ریشه معناییِ مشترک یعنی ادراکِ نقص و کمبود پدید می‌آیند، اما هر یک بر بُعدی متفاوت از تجربه انسانی دلالت دارد. «خوف» از ریشه «خ و ف» به معنای انتظار امر ناپسند بر اساس گمان یا علم است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۱: ۳۰۳؛ مصطفوی، ۱۳۶۰، ۳: ۱۴۵). و به معنای ترس و وحشت نیز به کار رفته است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ۹: ۹۹). این حالت همواره با آینده پیوند دارد؛ یعنی انسان از رخداد احتمالی یا حتمیِ ناخوشایند در پیشِ‌رو بیم دارد. در برابر آن، «حزن» از ریشه «ح ز ن» به معنای خشونت و سختی است (خلیل بن احمد، ۱۴۱۰، ۳: ۱۶۱). و از همین رو به دگرگونی و فشار روانیِ ناشی از اندوه نسبت به امر گذشته یا از دست رفته اطلاق می‌شود؛ حالتی که در برابر «فرح» قرار می‌گیرد (راغب اصفهانی، ۱۳۷۵، ۱: ۴۷۸). حزن هنگامی ایجاد می‌شود که انسان چیزی را که داشته یا خود را قادر بر تملک آن می‌دانسته، از دست بدهد (طباطبائی، ۱۳۷۵، ۴: ۳۹). بنابراین خوف ناظر به خطرات آینده است و حزن ناظر به مصائب گذشته؛ چنانکه مطهری نیز تصریح می‌کند که خوف درباره بدی‌های احتمالیِ آینده و حزن درباره ناراحتی‌های فعلی یا قطعیِ آینده است (مطهری، ۱۳۷۱، ۵: ۳۰). هر دو واژه در قرآن کاربرد گسترده‌ای دارند. خوف در حوزه زندگی روزمره (نساء/ ۳؛ مریم/ ۵؛ قصص/ ۷)، در رابطه انسان با خدا و در بیم از عذاب قیامت (مائده/ ۱۰۸؛ رعد/ ۲۱) مطرح شده و کارکرد آن بازدارندگی از گناه است، نه رشددهندگی مستقیم (مطهری، ۱۳۷۱: ص۶۱–۶۲). حزن نیز گاه مذموم و نهی شده (نحل/ ۱۲۷) و گاه ممدوح است؛ چنانکه امیرالمؤمنین (ع) انسان کامل را کسی معرفی می‌کند که «جامه زیرین او اندوه و جامه رویین او خوف از خداست» (دشتی، ۱۳۸۱: خطبه ۸۷). حزنِ ممدوح نتیجه آگاهی و احساس مسئولیت نسبت به کوتاهی‌ها و فرصت‌های از دست رفته است، اما حزنِ مذموم از جهل به حقیقت انسان و وابستگی‌های دنیوی چون تفاخر، تکاثر و حسادت ناشی می‌شود و به دلمردگی می‌انجامد. به همین ترتیب، خوف نیز اگر نسبت به امور دنیوی و ناشی از توهّم باشد، مذموم است؛ اما اگر بازدارنده از گناه و یادآور مسئولیت انسان در برابر خدا باشد، در مسیر رشد معنوی قرار می‌گیرد. از این رو «خوف» و «حزن» با آنکه هر دو ناظر به نقصان و احساس تهدیدند، یکی در آینده‌نگری بیم‌آلود و دیگری در اندوه گذشته ریشه دارد و هر دو در قرآن و متون اسلامی می توانند هم بازدارنده و هم تعالی بخش باشند، بسته به اینکه متعلق آنها امور دنیوی باشد یا امور الهی.

۳. آرای تفسیری درباره معنای خوف و حزن

برای بررسی معنایی آیات موردنظر در پژوهش حاضر، ضروری می‌نماید تا آرای تفسیری ذیل این آیات مورد توجه و بررسی قرار گیرد. با توجه به اینکه لفظ و واژگان آیات یکسان اما در سوره‌های متفاوتی آمده‌اند نظرات تفسیری که دارای نکتهٔ ویژه و متمایز از دیگر آرا است به صورت دسته‌بندی موضوعی مورد توجه قرار گرفته و تبیین می‌شود. از این منظر تفسیر خاصی مدّنظر نیست بلکه با غور در آرای تفسیری، پژوهش حاضر در صدد دریافت درک تفسیری و تعدد آرای تفسیری ذیل آیات موردنظر است:

۳-۱. اندوه درونی

«حُزن» در کاربرد قرآنی، بر خلاف «خوف» که ناظر به نگرانی از **آینده** است، همواره به حالتی از اندوه نسبت به گذشته اشاره دارد؛ اندوهی که از تصورِ از دست رفتنِ خیر یا وقوعِ شرّ در گذشته پدید می‌آید. در تفسیر مقاتل ذیل آیهٔ ۱۱۲ سورهٔ بقره این حزن و خوف ناشی از زمان مرگ تعبیر شده است یعنی آنکه در عمل محسن باشد هنگام مرگ برایش حزن و خوف نخواهد بود (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳، ۱: ۱۳۲). بنابراین «یحزنون» در این جمله (بقره/۱۱۲) نفیِ هر نوع رنجِ درونی است که ریشه در **حوادثِ گذشته، کوتاهی‌های پیشین یا بیمِ نقصانِ پاداش** داشته باشد (طبرسی، ۱۴۱۲، ۱: ۳۱۶). سمرقندی ذیل این آیه معتقد است خوف و حزن اندوه و عذابی است که در قیامت و در جهنم عارض می‌شود و زمانی که شخص عمل محسن داشته باشد در حالی که دیگران درگیر این حزن و خوف هستند او در امان است (سمرقندی، ۱۴۱۶، ۱: ۸۵).

چنین تبیین می‌شود که آن حزن و اندوه درونی که مادی هم نیست و متعلق به این دنیا هم نیست از شخصی که براساس مشخصات و راهنمایی‌های قرآن، محسن است وارد نخواهد آمد و این همان اندوه درونی است که از این بخش از آیه می‌توان برداشت کرد.

۳-۲. عدم آرامش

از جمله معانی حزن و خوف در بیان تفسیری این دسته آیات، عدم آرامش است. طبرسی ذیل آیه ۶۲ سوره یونس «أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» بیان می‌کند آنان که مطیع پروردگار بودند در دنیا هنگام مواجهه با احوال قیامت دچار هیچگونه بیم و ترسی نمی‌شوند و آرامششان برهم نمی‌خورد (طبرسی، ۱۳۷۲، ۵: ۱۸۱). همچنین علامه طباطبایی یکی از وجوه تفسیری در معنای خوف، «اضطراب نفس از احتمال فقدان محبوب یا وقوع مکروه» دانسته و معتقد است ولیّ خدا، چون مالکیتی جز برای خدا نمی‌بیند، دیگر چیزی ندارد تا از فقدانش بترسد؛ از این رو، نفیِ خوف و حزن در این آیه نشانگر آرامش مطلق ناشی از شهود مالکیت تامّ الهی و فنا در اراده‌ی حق است (طباطبایی، ۱۳۶۷، ۱۰: ۱۲۹).

در تفسیر عیاشی روایت امام باقر (ع) آمده است که اولیای الهی کسانی‌اند که واجبات الهی را به جا آورند، از محارم اجتناب کنند و در دنیا زاهد باشند؛ نتیجه‌ی چنین ایمان و تقوایی، زوال خوف و حزن و رسیدن به اطمینان قلبی است (عیاشی، ۱۳۷۸، ۲: ۱۲۴).

از بررسی و تجمیع آرای تفسیری ذیل این آیه چنین تبیین می‌شود که خوف در آیه، اضطراب درونی از تصور فقدان مطلوبی است که انسان آن را به خویشتن نسبت می‌دهد؛ ولیّ خدا به سبب ایمان و تقوای کامل، هیچ چیز را قائم به خود نمی‌بیند و همه‌ی امور را تحت تدبیر الهی می‌شناسد. در نتیجه، منشأ خوف از آینده و اندوه از گذشته در وجود او نابود می‌شود. بنابراین، نفی خوف و حزن در این آیه نشان از **سکون و آرامش مطلقِ برآمده از شهود تدبیر و مالکیت خداوند** دارد؛ حالتی که ریشه در فنا در اراده‌ی الهی دارد، نه در فقدان صرفِ ترس طبیعی یا عاطفی.

۳-۳. نگرانی برای گذشته و آینده

«خَوْفٌ» و ترس، مربوط به امور آینده و در مقابل امنیّت و آسایش است؛ امّا «حزن» و اندوه، مربوط به گذشته و آنچه ازدست رفته می‌باشد و در مقابل سرور و شادمانی است (قرائتی، ۱۳۸۸، ۳: ۵۹).

ذیل آیه ۶۲ بقره، «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصَارَى وَالصَّابِئِينَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»[۳] به باور آیت الله مکارم شیرازی، خوف ناظر به بیم مؤمن از آینده و سرنوشت در آخرت است، و حزن اشاره به اندوهِ او از لغزش‌ها یا فرصت‌های ازدست رفته در گذشته دارد. در نگاه ایشان، مؤمنان راستین که ایمانشان صادق و عملشان صالح است، در پناه ایمان خالص از هر دو رنج روحی رها می‌شوند؛ نه از آینده بیم دارند و نه از گذشته اندوهناک‌اند، زیرا پاداششان نزد پروردگارشان تضمین‌شده است (مکارم شیرازی،۱۳۵۳، ۱: ۲۸۲).

در آیه ۳۰ سوره فصلت «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ»[۴] به باور طبرسی، خوف در این آیه به امور آینده ـ به ویژه عذاب یا حوادث آخرت ـ مربوط است، و حزن به گذشته و آنچه از دست رفته، مانند اهل، فرزندان یا اعمال فوت شده، تعلق دارد. او مقصود آیه را چنین می‌بیند که اولیای الهی در سایه‌ی اطمینان و عنایت ربانی، نه از آینده بیم دارند و نه از گذشته اندوهگین می‌شوند؛ و این حالت، نهایت آرامش و اطمینان مؤمن است (طبرسی،۱۳۹۰، ۲۲: ۵۱).

به طور کلی، بر اساس دیدگاه مفسرانی چون طبرسی، مکارم شیرازی و قرائتی، واژه‌ی «خوف» در آیات قرآن ناظر به بیم انسان از آینده، به ویژه سرنوشت اخروی، و «حزن» اشاره به اندوه گذشته و امور ازدست رفته دارد. در نگاه آنان، نفی خوف و حزن درباره‌ی اولیای الهی بیانگر رسیدن به مرتبه‌ای از ایمان و اطمینان است که انسان را از اضطراب نسبت به آینده و اندوه گذشته می‌رهاند و به امنیت و آرامش درونی می‌رساند.

۴. آرای تفسیری دربارهٔ امکان عدم حزن و خوف

بر پایه تفسیر مفسران، موقعیت و مکانِ ظهورِ پاداشِ «لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» منحصر به آخرت نیست، بلکه دو عرصه را در بر می‌گیرد: نخست، زندگیِ دنیوی که مؤمن در آن به آرامشِ قلبی و امنیتِ روحی می‌رسد و از اضطرابِ فقر و ناکامی رهاست؛ و دوم، زندگیِ بَرزخی و قیامت که در آن وعده الهی به صورتِ کامل تحقّق می‌یابد. بدین‌سان، این عبارت نشانه استمرارِ رحمتِ الهی از دنیا تا آخرت است؛ رحمت و امنیتی که مؤمنانِ راستین در هر مرتبه از حیات آن را تجربه می‌کنند؛ بر اساس آیات این پاداش هم در دنیا و هم در برزخ شامل مؤمنان شایسته می شود.

الف) زندگی دنیایی

ذیل آیه ۱۷۰ آل‌عمران «فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»[۵]

از دیدگاه تفسیر نمونه، آرامش و بی‌خوفی شهیدان تنها مربوط به عالم پس از مرگ نیست، بلکه انعکاسی از اطمینان و یقین قلبی آنان در دنیا است؛ زیرا در لحظه جهاد و ایثار، چنان به خدا و وعده او اعتماد دارند که از فقر، شکست یا مرگ هراسی به دل راه نمی‌دهند (مکارم‌شیرازی، ۱۳۸۷، ۳: ۱۷۰)؛ این اطمینان در دنیا، صورت ابتدایی همان امنیت روحی است که در آخرت به صورت کامل جلوه می‌کند. یکی از آیاتی دیگر که نشان‌دهنده نبود خوف و حزن برای مؤمنان در دنیاست. آیه ۶۲ سوره یونس است: «أَلَا

إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ». واژه «أَلا» به معنای آگاه باشید، و در جایی است به گونه‌ای که هیچ شکی بین آن دو حال نباشد؛ این واژه بیانگرِ نزدیکی مکانی، خوش‌یاری، دینی و اعتقادی به استعاره گرفته شده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۸۸۵). یعنی در واقع ولی خداست، یعنی تا حدّی متصل به خداست که تابع همه اموری الهی است و همه برکات معنوی مثل هدایت، توفیق و ورود به بهشت و رضوان را از خدا می‌گیرد (طبرسی، ۱۴۱۷ق: ۸۹).

در ادامه این آیه، ولایتِ الهی توضیح داده شده است: «الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ»؛ از لفظ "کانوا" می‌توان فهمید که مقصود از اولیاءالله، کسانی هستند که ایمان و تقوای مستمر داشته‌اند؛ این افراد با مؤمنان عادی که در ابتدا ایمان می‌آورند و بعد به تدریج تقوا کسب می‌کنند، تفاوت دارند (همان). در نتیجه وصفِ «لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»[۶] در دنیا به طور کامل و مطلق، تنها درباره اولیاءاللهِ صدق می‌کند و دیگر مؤمنان، به اندازه ایمانشان از این نعمتِ الهی برخوردار می‌شوند.

ب) زندگی برزخی

در عالم برزخ و قیامت، شهیدان در پرتو فضل الهی به مرتبه‌ای می‌رسند که از گذشته و آینده هیچ بیم و اندوهی ندارند؛ نه از حوادث روز رستاخیز می‌ترسند و نه از دنیا و جداشدن از عزیزان غمگین می‌شوند (مکارم‌شیرازی، ۱۳۸۷، ۳: ۱۷۰). این آرامش اخروی نتیجه ایمان خالص و عمل فداکارانه آنان در دنیاست که پاداشش امنیت و سرور ابدی است. در تفسیر جامع به نقل از کافی چند روایت ذیل آیهٔ ۶۲ یونس می‌آورد که به وضوح اشاره دارد به عالم برزخ و احوال انسان‌ها در برزخ که چگونه ممکن است در آن شرایط به دور از ترس و خوف باشند برای نمونه برید عجلی روایت کرده گفت حضرت باقر (ع) به من فرمود در کتاب امیر المؤمنین (ع) ذیل این آیه دیدم نوشته‌اند که اگر واجبات خدا را ادا نموده و به سنت پیغمبر (ص) عمل کنید و از محرمات پرهیز و دوری کرده و در دنیا زاهد شوید و به آنچه خدا فرموده مایل بوده و از ممر حلال کسب روزی نمائید و به یکدیگر تفاخر و مباهات نورزیده و ترک انفاق نکنید و هم شما به گرد آوردن مال دنیا نباشد در این‌صورت خداوند آنچه را کسب و عمل نمائید بر شما مبارک گرداند و در آخرت نیز به شما ثواب مرحمت می‌فرماید.

و نیز از عبدالرحیم روایت کرده گفت حضرت باقر (ع) به من فرمود بدان و آگاه باش چون یکی از شما مؤمنین در حال نزع باشد همینکه جان به گلو رسد فرشته‌ای که مأمور قبض روح است بر او وارد می‌شود و مژده می‌دهد که ای مؤمن از آنچه می‌ترسیدی ایمن باش و به آنچه امیدوار بودی اطمینان داشته باش که به تو عطا کنند و دری از بهشت به سوی او باز شده و مکان و مقامش را به او نشان دهند و می‌گویند مشاهده کن و ببین این است رسول خدا و امیرالمؤمنین و امامان و دوستان تو معنی بشارتی که خداوند در دنیا و هنگام مرگ به مؤمنین می‌دهد همین است.

و از عقبه روایت کرده گفت فرمود حضرت صادق (ع) روز قیامت خداوند نپذیرد از بندگان دین و مذهبی جز این مذهب که شما شیعیان دارید و هر وقت جان به گلو رسد مشاهده کنید پیغمبر خدا و امیرالمؤمنین (ع) را مژده دهند که ای مؤمن من رسول خدا هستم بهترم از آن مالی که در دنیا جا گذاشتی ... این روایات در تفسیر جامع برای تکمیل تفسیر ذیل این آیات اشاره شده است (بروجردی، ۱۳۶۶، ۳: ۲۲۱) که نشان از آن دارد عمل صالح و محسن بودن نه تنها حزن و خوف دنیایی را از بین می‌برد بلکه آنجا که جان به گلو رسیده است نیز به فریاد انسان می‌رسد و این اثر تا قیامت می‌تواند راه‌کننده و نجات‌بخش باشد.

ج) ارتباط خوف و حزن مؤمنان در دنیا وآخرت

با توجه به آیات: «يَا عِبَادِ لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ وَلَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ» (زخرف/ ۶۸)

(ترجمه: «ای بندگان من! امروز نه ترسی برشماست و نه اندوهگین می شوید»). سخن خداوند در روز قیامت اهل تقوا را مخاطب قرار داده و بشارت دورشدن بیم و اندوه را می دهد (طباطبائی، ۱۴۱۷، ۱۸: ۱۲۱).

و در آیه «ادْخُلُوا الْجَنَّةَ لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمْ وَلَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ» (اعراف/۴۹).

(ترجمه: داخل بهشت شوید، که نه ترسی دارید و نه غمناک می‌شوید!)

اصحاب اعراف بعد از آنکه به اهل جهنم می‌گویند: آیا این افرادی که اکنون راهی بهشتند، همان کسانی نیستند که قسم می خوردید عاقبت خیر نخواهند داشت، به بهشتیان روی می آورند و آیه را می‌گویند. این دو آیه به وضوح خوف و حزن را در آخرت از مؤمنان نفی می‌کند، اما آیات دیگران هستند و چون نشانه‌ای برتخصیص آنها به آخرت وجود ندارد، می‌توان آنها را بر دنیا حمل نمود. در نتیجه می‌توان گفت تحقق کامل این حالت در آخرت، منافاتی با حصول نسبی آن در دنیا نخواهد داشت (حسینی شیرازی ۱۴۲۴، ۱ : ۱۳۸؛ ابن‌عاشور، ۱۴۲۰، ۲: ۵۴۶؛ طباطبائی، ۱۴۱۷، ۱۰: ۹۰؛ حجازی، ۱۴۱۳، ۱: ۴۳).

عبارت «لَا خَوفٌ عَلَيهِم وَلَا هُم يَحزَنُونَ» همانطور که اشاره شد هم به احوال دنیایی و هم برزخی و هم آخرتی انسان‌ها ارتباط پیدا می‌کند. منشأ حالات خوف و حزن نداشتن مؤمنان در آخرت، به روحیه‌شان دردنیا باز می‌گردد. با توجه به اینکه مؤمنان در دنیا در برابر گناهکاران، با توجه به عدل پروردگار و حساب نامه اعمال خوف و از گناهان حزن داشته و نگران قیامت و آخرت بوده، در نتیجه در آخرت مخاطب آیه «يَٰعِبَادِ لَا خَوفٌ عَلَيكُمُ ٱليَومَ وَلَا أَنتُم تَحزَنُون» (زخرف/۶۸) می‌شوند. و خوف و حزن از طرف پروردگار از ایشان دور می‌شود؛ و دیگر خوف و حزن مربوط به امورمادی برایشان مفهومی ندارد؛ در نهایت ایمان حقیقی و واقعی مؤمنان سبب صدق آیه «بَلَىٰ مَن أَسلَمَ وَجهَهُۥ لِلَّهِ وَهُوَ مُحسِن فَلَهُۥٓ أَجرُهُۥ عِندَ رَبِّهِۦ وَلَا خَوفٌ عَلَيهِم وَلَا هُم يَحزَنُونَ»[۷] (بقره/۱۱۲).

با توجه به اینکه مؤمنان در دنیا درجات یکسانی ندارند، و بر اساس معرفتشان ازنعمت «لَا خَوفٌ عَلَيهِم وَلَا هُم يَحزَنُونَ» برخوردار شوند، در آخرت نیز این چنین است. به تعبیر آیت الله جوادی آملی؛ «چنین وعده‌ای موجب تساوی درجات همه پیروان هدایت الهی نیست، زیرا توقع کمال هر انسانی تابع قلمرو معرفت او و منطقه معرفت هرکسی وابسته به درجه وجودی اوست؛ و چون مراتب هستی افراد متفاوت است، معرفت‌های آنان نیز مختلف خواهد بود و در نتیجه توقع و امید آنها یکسان نیست؛ از این رو می‌توان گفت که همه نعمت‌های متناسب با هرکسی به او داده خواهد شد و بر این اساس، هیچ هراس یا حزنی برای هیچ پیرو واقعی با حفظ تفاوت درجات و مراتب نیست» (جوادی‌آملی، ۱۳۸۹، ۳: ۴۷۸-۴۷۹).

با توجه به تحلیل این بخش: بی‌خوفی و بی‌حزنی مؤمنان در آخرت، ریشه در کیفیت ایمان و اعمال آنان در دنیا (به ویژه حزن بر گناه و تسلیم در برابر خدا) دارد و این نعمت با وجود تفاوت درجات معرفتی مؤمنان، به طور متناسب به همگان عطا می‌شود، به گونه‌ای که هیچ یک از مؤمنان واقعی دچار هراس یا اندوه نخواهند شد.

۵. آرای تفسیری درباره زمینه‌های برخورداری از عدم حزن و خوف

به باور بیشتر مفسران، از جمله طبرسی، علامه طباطبایی و آیت‌الله مکارم شیرازی، برخورداری از حالت «لا خوفٌ علیهم ولا هم یحزنون» نتیجه‌ی ایمان خالص، عمل صالح، و استمرار در تقواست. این آرامش، پاداش صرفِ ایمان ظاهری نیست، بلکه ثمره‌ی

پیوند قلبی با خدا و صداقت در عمل است؛ به گونه‌ای که مؤمن نه تنها به لحاظ معرفتی به توحید رسیده، بلکه در رفتار نیز به اطاعت کامل از اراده الهی تن داده است. مکارم شیرازی بر «ایمانِ فعال» و طبرسی بر «تقوای مستمر» تأکید کرده‌اند، و علامه طباطبایی این مقام را حاصلِ شهود مالکیت مطلق الهی می‌داند که موجب رفع خوف از آینده و حزن از گذشته می‌شود.

بر اساس تحلیل تفسیری این پاداش برای افراد زیر در نظر گرفته شده است:

۴-۱. زمینه معرفتی

ذیلِ آیه ۶۸ سوره زخرف «يَا عِبَادِ لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ وَلَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ» به باور علامه طباطبایی این خطاب، ندای الهی به متقین در قیامت است. خداوند در آن روز، ایشان را از هرگونه ناملایم احتمالی (موجب خوف) و ناملایم قطعی (موجب حزن) ایمن می‌سازد و بدین ترتیب، آرامش مطلق و امنیت ابدی بر آنان سایه می‌افکند. و چون در ادامه فرمان می‌دهد: «ادْخُلُوا الْجَنَّةَ»، روشن می‌شود که این آرامش و فقدان کامل بیم و اندوه، نشانه ورود به بهشت و وصول به مقامِ قرب و رضوان الهی است (طباطبایی، ۱۳۷۶، ۱۸: ۱۸۲). در آیه ۱۳ سوره احقاف، «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»[۸] ، زمینه معرفتی بر محور شناخت ربوبیت الهی و فهم عمیق نسبت به استقامت در دین استوار است. مفسر توضیح می‌دهد که مراد از استقامت، ثبات در باور و عمل مبتنی بر معرفت توحیدی است؛ یعنی ایمان زبانی زمانی ارزش دارد که بر پایه ادراک آگاهانه از ربوبیت و هدایت الهی استمرار یابد. بر این اساس، زوال خوف و حزن نتیجه رسیدن به یقین و بینش معرفتی است که انسان را به شکر نعمت، عمل صالح، و در نهایت به وعده صادقِ آرامش و رضوان الهی می‌رساند (مغنیه،۱۴۲۴، ۷: ۴۳).

۴-۲. زمینه ایمانی

در آیه «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِئُونَ وَالنَّصَارَىٰ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»[۹] (مائده/۶۹) و آیه «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ عَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِندَ رَبِّهِمْ وَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (بقره/۶۲)، مفسران بر این نکته تأکید دارند که معیار ارزش و پاداش نزد خداوند، ایمان خالص و عمل صالح است، نه صرفاً تعلق ظاهری به گروه دینی یا نامگذاری‌های ظاهری؛ طباطبایی بیان می‌کند که تنها ایمان واقعی همراه با عمل صالح سبب امنیت و آرامش مؤمن در دنیا و آخرت می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۲: ۶۴۷). مکارم شیرازی نیز تأکید دارد که ایمان ظاهری بدون عمل صالح ارزش ندارد و پاداش الهی مختص کسانی است که ایمان خالص و کار نیک دارند، خواه مسلمان باشند یا پیروان دیگر ادیان ابراهیمی (مکارم شیرازی،۱۳۵۳، ۲: ۳۱۷). طبرسی با تبیین جزئیات، اشاره می‌کند که حتی کسانی که پیش‌تر نفاق یا عناد داشتند و سپس با ایمان واقعی و عمل صالح تسلیم شدند، پاداش آنان همانند مؤمنان ثابت و حقیقی است و این شامل رهایی از خوف و حزن نیز می‌شود (طبرسی،۱۴۲۷، ۳: ۱۸۷). مجموع این دیدگاه‌ها تأکید می‌کند که حقیقت ایمان و عمل صالح، معیار نهایی سعادت و کرامت است، نه ظاهر دینی یا عناوین اجتماعی.

۴-۳. زمینه‌های رفتاری

از دیدگاه مفسران، تحقق وعده‌ی «لا خوفٌ علیهم ولا هم یحزنون» تنها در گرو باور قلبی نیست، بلکه رفتار مؤمن نیز باید بر پایه‌ی اخلاص، صبر و استمرار در عمل صالح شکل گیرد. رفتارهایی چون انفاق بدون منت، تقوا، احسان و نیکوکاری و... نمونه‌هایی‌اند که آرامش روحی و بی‌خوفی را در زندگی دنیوی و اخروی مؤمن به بار می‌آورند. این کنش‌های اختیاری، تجلی بیرونیِ همان ایمان درونی‌اند که خوف و حزن را از دل انسان می‌زدایند و او را به مقام اطمینان قلبی نزدیک می‌سازند؛ این رفتار شامل موارد زیر است:

الف)تقوا

در آیه ۶۸ زخرف، مفسران خطاب «یا عبادِ» را ویژه اهل تقوا دانسته‌اند؛ طوسی این ندا را اعطای کرامت به بندگان مطیع می‌شمارد (طوسی، ۱۳۷۱، ۱: ۲۸۰)، و طبری و فخر رازی آن را نشانه اوج شرافت مقام عبودیت معرفی می‌کنند (طبری،۱۴۲۲، ۲: ۳۲؛ فخر رازی، ۱۳۶۰، ۳: ۵۳۵)، در حالی که طباطبایی آن را مقدمه اعلام امنیت کامل متقین می‌داند (طباطبایی،۱۳۶۷، ۱: ۲۹۲). دربارهٔ رفع خوف و حزن نیز طوسی و طبرسی تأکید دارند که تقوا موجب کنار رفتن ترس از عذاب و اندوه ناشی از محرومیت پاداش است (طوسی، ۱۳۷۱، ۱،: ۲۸۰؛ طبرسی، ۱۳۵۹، ۱: ۱۹۸)، و طبری امنیت قیامت را با رضایت الهی و برتری پاداش آخرت نسبت به دنیا پیوند می‌دهد (طبری، ۱۴۱۲، ۲: ۳۲)، همانگونه که فخر رازی و طباطبایی نیز آن را نتیجه ایمان و عمل صالح می‌دانند. همچنین طبری تبیین می‌کند که ندا در آغاز، امیدی عام می‌بخشد اما قیود پایانی آیه آن را به مؤمنان تسلیم پذیر محدود می‌کند (همان)، نکته‌ای که دیگر مفسران نیز بر آن اتفاق دارند. برآیند این آرا آن است که تقوا ضامن امنیت و آرامش ابدی در قیامت است و خطاب «یا عبادِ» عالی‌ترین جلوه کرامت الهی نسبت به اهل ایمان و تقواست.

ب) التزام به احکام شرعی

نماز و زکات به عنوان اساس عبادات فردی و اجتماعی، هم نظم معنوی و ارتباط مستمر با خداوند را تضمین می‌کنند و هم عدالت و همبستگی اجتماعی را تقویت می‌نمایند؛ اجرای مستمر این عبادات، زمینه پاکی دل، رشد روحی و ارتقای مسؤولیت‌پذیری فرد و جامعه را فراهم کرده و موجب امنیت و آرامش واقعی در دنیا و آخرت می‌شود، به‌گونه‌ای که مؤمن نه از مجازات قیامت می‌هراسد و نه از دست دادن لذات دنیوی دچار اندوه می‌گردد.

در آیه «إِنَّ الَّذينَ آمَنوا وَعَمِلُوا الصّالِحاتِ...»[۱۰] (بقره/ ۲۷۷) پس از نهی شدید از ربا آیات (بقره/ ۲۷۹-۲۷۷)، مفسران وعده «لهم أجرهم عند ربهم ولا خوف علیهم ولا هم یحزنون» را بیانگر پاداش قطعی و امنیت معنوی برای مؤمنانی می‌دانند که عمل صالح انجام می دهند، نماز را برپا می‌دارند و زکات می‌دهند؛ این وعده هم شامل صدقه‌دهندگان و هم شامل کسانی است که از ربا توبه کردند و به عبادات واجب روی آوردند و در قیامت نه بیم مجازات دارند و نه اندوهی بر از دست رفتن لذت‌های دنیا (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۲: ۶۴۷؛ طبرسی، ۱۴۲۷، ۳: ۱۸۷؛ طبری، ۱۳۸۷، ۵: ۴۸). طبرسی تفاوت «لهم أجرهم» با «فلهم أجرهم» را در عدم دلالت «فاء» بر استحقاق فوری پاداش دانسته و وعده را مطلق و فراگیر می‌بیند (طبرسی، ۱۴۲۷، ۳: ۱۸۷). فخر رازی نیز در چهار نکته تفسیری توضیح می‌دهد که: ذکر ایمان و عمل صالح جنبه تأکیدی دارد؛ تعبیر «عند ربهم» از نظر قوت وعده برتر از «علی ربهم» است؛ نفی خوف و حزن ناظر به آرامش کامل در قیامت و نبود هرگونه حسرت است؛ و هر یک از اعمال چهارگانه به تنهایی نیز موجب پاداش می‌شود (فخررازی، ۱۳۶۰، ۷: ۸۱). در شأن نزول نیز گفته‌اند آیه درباره کسانی است که بخشی از ربا را گرفته و بقیه را مطالبه می‌کردند از جمله فرهنگ قبیله ثقیف در مطالبه از قریش و خدا آنان را به ترک باقیمانده ربا فرمان داد؛ اختلاف قرائت «ما بقی» نیز به تفاوت لهجه طیّ (تبدیل یای پایانی به الف) یا یای ساکن بازمی‌گردد (زمخشری، ۱۴۰۷، ۱: ۳۲۲).

ج) انفاق بدون منت و آزار

در آیات «الّذین یُنفِقُونَ أَموالَهُمْ فی سَبیلِ اللّهِ ثُمَّ لا یُتْبِعونَ ما أَنفَقُوا مَنًّا وَلا أَذًی...»[۱۱] (بقره/۲۶۲) و «الَّذینَ یُنفِقونَ أَموالَهُم بِاللَّیلِ و

النَّهارِ سِرًّا وَعَلانِةً...» (بقره/۲۷۴)، همه تفاسیر بر این نکته هم نظرند که قبولی انفاق در گرو پرهیز از هرگونه منّت و آزار و همراهی با اخلاص و استمرار است و این پاکی نیت و رفتار سبب حفظ پاداش نزد خدا و رهایی انفاق‌کننده از ترس آینده و اندوه گذشته می‌شود. طوسی و طبرسی «منّت» را یادآوری بخشش به گونه‌ای که لطف را تلخ و گیرنده را بدهکار جلوه دهد و «آزار» را هر گفتار یا رفتاری که موجب تحقیر شود تعریف می‌کنند (طوسی، ۱۳۷۱، ۲: ۳۳۳؛ طبرسی، ۱۴۲۷، ۳: ۱۳۹). زمخشری با تأکید بر «ثم» آن را نشانه برتری پرهیز از منّت و آزار حتی بر اصل انفاق دانسته و «فاء» را دلالت بر پاداش فوری می‌شمارد (زمخشری، ۱۴۰۷، ۱: ۳۱۱)، در حالی که قرائتی هدف انفاق را اصلاح روح از بخل و منّت را عامل آلودگی آن و ناشی از غرور یا جلب توجه معرفی می‌کند (قرائتی، ۱۳۸۷، ۱: ۴۱۸). مکارم شیرازی نیز منّت‌گذار را نه تنها طلبکار بلکه بدهکار می‌داند، زیرا آبرو و حرمت انسانی والاتر از مال است (مکارم شیرازی، ۱۳۵۳، ۲: ۳۱۷). طباطبایی از نگاه فلسفی_ لغوی، منّت را عملی می‌داند که احسان را ناگوار می‌کند و آزار را هر ضرر فوری یا اندک، و خوف و حزن را به ترتیب انتظار ضرر و اندوه فشارآور تعریف می‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۲: ۵۹۶). دربارهٔ آیه ۲۷۴، شأن نزول آیه درباره انفاق چهار درهم حضرت علی (ع) در چهار حالت شب، روز، پنهان و آشکار بود که به اخلاص و بی منّت انجام شد (طبرسی، ۱۳۹۰، ۳: ۱۷۷؛ فخررازی، ۱۳۶۰، ۷: ۷۰)، اما پیام آیه عمومی است و هرکس چنین اخلاص و استمرار را در انفاق رعایت کند، مشمول وعده الهی خواهد شد. آیه با ذکر کامل‌ترین صورت‌های انفاق، تأکید بر استمرار و اخلاص دارد و تقدم «لیل» بر «نهار» و «سر» بر «علانیهٔ» دلالت بر فضیلت بیشتر انفاق پنهانی شبانه است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۲: ۶۱۴؛ فخررازی، ۱۳۶۰، ۷: ۷۰). آثار اجتماعی و معنوی این انفاق شامل تعدیل ثروت، کاهش شکاف طبقاتی، ایجاد محبت، پرورش سجایای اخلاقی و تقرب به خداست و در معنای لغوی به پر کردن کمبود و در عمل به رفع نیاز واقعی اشاره دارد (قرائتی، ۱۳۸۷، ۱: ۴۳۴). بنابراین، کسی که با اخلاص و اعتماد به وعده الهی انفاق می‌کند، نه از فقر آینده می‌هراسد و نه از بخشش مال خود اندوهگین می‌شود، زیرا پاداش او نزد خدا تضمین شده است و رهایی از خوف و حزن حاصل می‌شود.

د) احسان و نیکوکاری

در آیه «بَلىٰ مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ...» (بقره/۱۱۲) همه مفسران بر این اتفاق نظر دارند که تسلیم کامل وجود در برابر خداوند همراه با احسان، اساس دستیابی به پاداش قطعی و رهایی از خوف و حزن است؛ با این حال در تفسیر «وجه» و «احسان» تفاوت‌هایی دیده می‌شود. طوسی، تسلیم شدن به خدا را اوج اخلاص و خضوع دانسته و امنیت روانی و آرامش درونی را نتیجهٔ یقین به وعده الهی می‌داند (طوسی، ۱۳۷۶، ۱: ۴۱۱). طبرسی «وجه» را تمام هستی انسان و «احسان» را ایمان صادق، اخلاص قلبی یا عمل صالح معرفی می کند و بر این اساس، انسان محسن را از ترس آینده و اندوه گذشته مصون می‌شمارد (طبرسی، ۱۳۸۴، ۱: ۳۱۶). برخی تفاسیر، مانند تفسیر رضایی اصفهانی، آیه را معیار جهانی نجات و ردّ ادعاهای انحصاری می‌دانند و پیوند ایمان و عمل صالح را منشأ آرامش، رهایی از خرافه و نبود نگرانی یا حسرت معرفی می‌کنند (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ۱: ۳۶۵). قرائتی و کاشانی عبودیت را در گرو تسلیم آگاهانه و عمل خالصانه می‌دانند و تأکید می‌کنند که احسان شرط اثرگذاری ایمان و ضامن امنیت ابدی است (قرائتی، ۱۳۸۷، ۱: ۱۸۲؛ کاشانی، ۱۳۷۳، ۱: ۱۸۰). طالقانی و بروجردی «أسلم وجهه» را گرایش مستمر دل و جان به سوی خدا و همراهی اجتناب‌ناپذیر عبودیت و احسان می‌شمارند (طالقانی، ۱۳۶۲، ۱: ۲۷۱؛ بروجردی، ۱۳۶۶، ۱: ۲۴۱). شعراوی نیز «وجه» را ارزشمندترین بخش وجود و نماد شخصیت انسان دانسته و سپردن آن به خدا را، همراه با احسان و انجام داوطلبانهٔ تکلیف، موجب رفع پایدار ترس و اندوه می‌داند، زیرا تکیه‌گاه چنین فردی خدای بی‌نیاز و جاوید است (شعراوی، ۱۹۹۱، ۱: ۵۳۲). مجموع این آرای تفسیری نشان می‌دهد که گرچه معنا و تبیین «وجه» و «احسان» در آثار مفسران متفاوت است،

اما همگی بر این اصل مشترک‌اند که تسلیم کامل و نیکوکاری پایدار، کانون آرامش قلبی و شرط نهایی مصونیت از خوف و حزن است.

ه) صبر

در آیه «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (احقاف/۱۳) نقش صبر به عنوان جوهره استقامت، محور مشترک مفسران است. طباطبایی با تأکید بر «فاء» تفریع، رابطه علت و معلولی میان استقامتِ مبتنی بر صبر و نفی خوف و حزن را بیان می‌کند و استقامت را شامل پایداری در ایمان، عمل صالح و دوری از انحراف می‌داند و معتقد است صبر خطر عذاب را از آینده می‌زداید و اندوه فقدان‌های گذشته را با امنیت اخروی برطرف می‌سازد (طباطبایی، ۱۳۷۶، ۱۸: ۲۹۹؛ نیز استشهاد ایشان به فصلت/۳۰). طوسی نیز صبر را شرط بقا بر ایمان و عامل امنیت از کیفر معرفی می‌کند و تصریح دارد که صبر، خوفِ ناشی از عذاب آینده را برطرف و آرامشِ حاصل از استقامت را تضمین می‌نماید (طوسی، ۱۳۷۶، ۹: ۲۷۴). فخر رازی با تفکیک میان دو نوع خوف، بر این باور است که صبر، خوفِ عذاب را از میان می‌برد اما «خوفِ جلال» الهی، به عنوان حالتی معرفتی و معنوی، همچنان باقی می‌ماند؛ نیز او حزن را بیشتر ناظر به هول و صعوبت قیامت می‌داند (فخررازی، ۱۴۰۱، ۲۸: ۱۳). مغنیه نیز با نگاهی اخلاقی– اجتماعی، استقامتِ صابرانه را عامل اطمینان به پاداش الهی دانسته و معتقد است خوفِ مربوط به آینده و کیفر، کاملاً مرتفع می‌شود و مجالی برای اندوه باقی نمی‌ماند (مغنیه، ۱۴۲۵، ۱: ۴۴). همچنین سایر مفسران همچون طبری و طوسی، صبر را در گستره‌ای وسیع شامل پایداری در ایمان، عمل صالح و اجتناب از انحراف دانسته‌اند (طبری، ۱۴۱۲، ۲۱: ۱۳۶؛ طوسی، ۱۳۷۶، ۹: ۲۷۴) و تفسیر قمی مصداق عالی صبر را تمسک به ولایت امام علی (ع) معرفی کرده است (قمی، ۱۳۶۳، ۴: ۴۰۵).

و) تحقق امنیت روحی مؤمنان

آیه «وَ ما نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلاَّ مُبَشِّرِينَ وَمُنْذِرِينَ فَمَنْ آمَنَ وَأَصْلَحَ فَلا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلا هُمْ يَحْزَنُونَ»[۱۲] (انعام/۴۸)، مأموریت اصلی پیامبران را در قالب دو وظیفه بنیادین «بشارت و انذار» معرفی می‌کند. به تعبیر مفسران، این آیه قاعده‌ای عام در رسالت انبیاست که در آن، مؤمنانِ صاحب ایمان و عمل صالح از خوف آینده و حزن گذشته مصون‌اند و تنها مکذّبانِ ظالم گرفتار عذاب می‌شوند (طباطبایی، ۱۳۶۷، ۷: ۱۳). پیامبران نه صاحبان قدرت مطلق، بلکه بیدارکنندگان فطرت انسانی‌اند، و اختیار پذیرش یا رد پیام به انسان واگذار شده است (طوسی، ۱۴۲۶، ۴: ۱۴۱). هدف رسالت، تحقق ایمان و اصلاح نفس است که ثمره‌اش امنیت حقیقی مؤمن در دنیا و آخرت است (مکارم شیرازی، ۵: ۲۴۴؛ طبرسی، ۱۳۵۹، ۸: ۹۴؛ مغنیه، ۱۳۸۶، ۳: ۱۹۱). این آیه همچنین انتظارهای معجزه جویانه را رد کرده و بر مسئولیت الهی انسان تأکید می‌کند؛ زیرا انبیاء برای دعوت به ایمان و انجام وظیفه الهی مبعوث شده‌اند، نه برای نمایش قدرت یا اجابت خواسته‌های بشری (زمخشری، بی‌تا، ۲: ۲۴).

ز) رحمت و کرامت

آیه «أَهٰؤُلاءِ الَّذينَ أَقسَمتُم لا يَنالُهُمُ اللّهُ بِرَحمَةٍ ادخُلوا الجَنَّةَ لا خَوفٌ عَلَيكُم وَلا أَنتُم تَحزَنون» (اعراف/۴۹) در صحنه قیامت، به مؤمنانی اشاره دارد که در دنیا مستضعف و مورد تحقیر متکبران بودند و آنان با سوگند می‌گفتند این گروه بهره‌ای از رحمت الهی ندارند. اکنون خداوند آنان را با فرمانی کریمانه به بهشت فرا می‌خواند تا عزت حقیقی‌شان آشکار شود (طباطبایی، ۱۳۶۷، ۸: ۱۶۴؛

طبرسی، ۱۴۱۲، ۹: ۱۲۱). بیشتر مفسران از جمله حسن، ابومجْلَز و جبّائی، سخن آیه را از زبان اصحاب اعراف دانسته‌اند که با شناخت همه اهل محشر، حقیقت اعمال را آشکار می‌سازند، هرچند برخی چون طوسی و طبرسی آن را کلام خدا یا فرشتگان می‌دانند (طوسی، ۱۴۲۶، ۴: ۴۱۵؛ طبرسی، همان). اعراف به مقامی بلند میان بهشت و دوزخ اطلاق شده که ساکنان آن، داوران و شاهدان بر ایمان و کفر به شمار می‌آیند و به اذن خداوند، اهل بهشت را بشارت و دوزخیان را ملامت می‌کنند (زمخشری، ۱۴۰۷، ۲: ۱۰۷؛ مکارم شیرازی، ۱۳۵۳، ۶: ۱۸۶؛ مغنیه، ۱۳۸۶، ۳: ۳۳۴). و سرانجام عبارت «ادخلوا الجنة لا خوف علیکم ولا أنتم تحزنون» بیانگر رسیدن مؤمنان به امنیت کامل روحی و معنوی است؛ نه ترسی از آینده دارند و نه حسرت گذشته، که این حالت آرامش نتیجه ایمان راستین و عمل صالح آنان است و نشانه برتری معیار حقیقت بر قدرت ظاهری و ثروت دنیاست (فخر رازی، ۱۴۰۱، ۱۴: ۲۵۱).

۵. نتیجه‌گیری

– پژوهش حاضر با عنوان «بررسی تفسیری آیات مختوم به لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ با رویکرد تربیتی» به تحلیل معناشناختی، موقعیتی و کارکردیِ این عبارت در قرآن‌کریم پرداخته و نشان داد که این تعبیر نه تنها یک وعده اخروی بلکه بیانی از نظام تربیتی و روان‌شناختی قرآن در پرورش انسان مؤمن است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که نفی خوف و حزن، نماد نهاییِ آرامش مؤمن در هر دو ساحت دنیا و آخرت است؛ آرامشی که برخاسته از ایمان آگاهانه، عمل صالح پیوسته و پیوند وجودی با خداوند است.

– در بُعد معرفتی، تحلیل آیات و اقوال مفسران (از جمله طباطبایی، طبرسی و مکارم شیرازی) آشکار ساخت که «رفع خوف و حزن» در مرتبه نخست نتیجه شناخت عمیق ربوبیت الهی و رسیدن به یقین در تدبیر و مالکیت مطلق خداوند است؛ از این رو، مؤمنِ عارف به ربّ، هیچ امری را قائم به خود نمی‌بیند و از بیم فقدان یا حسرت گذشته رها می‌شود. این شناختِ توحیدی اساس تربیت قرآنی را شکل می‌دهد، زیرا در پرتو آن، انسان به طمأنینهٔ کامل و امنیت وجودی می‌رسد.

– در بُعد ایمانی، آیات بقره (۶۲، ۲۷۷) و مائده (۶۹) تبیین می‌کنند که رهایی از خوف و حزن پاداشِ ایمانِ خالص و عملِ صالح است. بدین معنا که ایمان، اگر با عمل و صداقت همراه نباشد، ثمره تربیتی نخواهد داشت. بر پایه این نگرش، معیار کرامت نزد خداوند، نه نام‌ها و تعلقات ظاهری، بلکه ایمان زنده و اخلاق عمل‌شده است که امنیت واقعی را در پی دارد.

– در بُعد رفتاری، آیات مربوط به انفاق، نماز، زکات، صبر، استقامت و احسان نشان می‌دهد که کنش‌های اختیاریِ مؤمن، صورت عینی همان ایمان درونی و زمینه تحقق اطمینان قلبی‌اند. تقوا، اخلاص در انفاق، استقامت در ابتلاء و تسلیم در برابر اراده الهی، مصادیق بارز این سیر تربیتی‌اند که نتیجه آن، آرامش روحی در دنیا و امنیت اخروی در قیامت است. در این میان، آیه «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا...» (احقاف/۱۳) اوج تربیت قرآنی را نشان می‌دهد، زیرا نفی خوف و حزن در آن، ثمره صبر و پایداری در ایمان است.

– از حیث موقعیت پاداش، تحلیل تطبیقی آیات (از بقره تا زخرف و اعراف) نشان داد که این وعده اختصاص به آخرت ندارد. بخشی از تحقق آن در دنیا و برزخ نیز به‌صورت نسبی قابل مشاهده است. بی‌خوفی و بی‌حزنی دنیا، پیش‌درآمد آرامش قیامت است و هرچه معرفت و عمل مؤمن عمیق‌تر باشد، درجه تحقق این نعمت بیشتر است. مفسرانی چون طباطبایی و جوادی آملی، این تنوع مراتب را بازتابِ تفاوت در سطوح معرفتی و وجودی انسان دانسته‌اند.

– در نهایت، از منظر تربیتی، آیات مختوم به لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ چارچوبی جامع برای رشد متوازن انسان ارائه می‌کنند؛ بدین معنا که قرآن، از رهگذر ایمان، معرفت و عمل، نظامی از «امنیت روانی، امید وجودی و آرامش پایدار» بنا می‌نهد و انسان را از ترس آینده و اندوه گذشته می‌رهاند. این وعده الهی، نه یک خبر صرف، بلکه یک ساز و کار تربیتی است: هر اندازه ایمان و عمل انسان به محور تقوا و احسان نزدیک‌تر شود، اضطراب و اندوه از حیات او زدوده و جای آن را طمأنینه و رضوان الهی می‌گیرد.

– بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که عبارت «لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» در افق تربیتی قرآن، بیانگر غایت سیر انسانِ مؤمن است؛ انسانی که در پرتو معرفت توحیدی، ایمان قلبی و رفتار صالح، به مقام امنیت و آرامش می‌رسد و این حالت، استمرار همان رحمت و کرامت الهی است که از دنیا آغاز و در بهشت رضوان به کمال می‌رسد.

پی‌نوشت‌ها

۱. بقره/۲۷۷، ۲۷۴ ، ۲۶۲، ۱۱۲، ۶۲، ۳۸؛ آل عمران/۱۷۰؛ انعام/۴۸؛ اعراف/۴۹؛ فصلت/۳۰؛ قصص/۷؛ یونس/۶۲؛ زخرف/۶۸؛ احقاف/۱۳.
۲. ای بندگان من! امروز نه ترسی بر شماست و نه غمگین می‌شوید.

۳. کسانی که به پیامبر اسلام ایمان آوردند، و کسانی که به آیین یهود گرویدند و نصاری و صائبان هر کدام که به خدا و روز واپسین ایمان آورده و کار شایسته انجام دهند، پاداششان نزد پروردگارشان مسلم است؛ نه ترسی برآنهاست ونه انددوهگین می‌شوند.
۴. به یقین کسانی که گفتند «پروردگار ما خدای یگانه است» سپس استقامت کردند، فرشتگان بر آنان نازل می‌شوند که: نترسید و غمگین مباشید، و بشارت باد بر شما به آن بهشتی که به شما وعده داده شده است.
۵. آنها به خاطر نعمت‌هایی که خداوند از فضل خود به ایشان بخشیده است، خوشحالند؛ و به خاطر کسانی که هنوز به آنها ملحق نشده‌اند (مجاهدان و شهیدان آینده)، شادمانند؛ که نه ترسی بر آنهاست و نه اندوهی خواهند داشت.
۶. به آنها (اعراف) گفته می‌شود: داخل بهشت شوید، که نه ترسی بر شماست و نه اندوهگین می‌شوید.
۷. آری، بهشت در انحصار هیچ گروهی نیست هرکس خود را تسلیم خدا کند و نیکوکار باشد، پاداش او نزد پروردگارش محفوظ است؛ نه ترسی بر آنهاست و نه اندوهگین می‌شوند.
۸. کسانی که گفتند: «پروردگار ما «خدای یگانه» است»، سپس استقامت کردند، نه ترسی بر آنان است و نه اندوهگین می‌شوند.
۹. کسانی که به پیامبر اسلام ایمان آوردند، و کسانی که به آئین یهود گرویدند و صائبان و نصاری، هر کدام که به خداوند یگانه و روز بازپسین، ایمان بیاورند، و کارهای شایسته انجام دهند، نه ترسی بر آنهاست، و نه اندوهگین می شوند.
۱۰. کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند و نماز را برپا داشتند و زکات را پرداختندف اجرشان نزد پروردگارشان محفوظ است؛ نه ترسی بر آنهاست و نه اندوهگین می‌شوند.
۱۱. کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می‌کنند، سپس به دنبال انفاقی که کرده‌اند، منت نمی‌گذارند و آزاری نمی‌رسانند، پاداش آنها نزد پروردگارشان محفوظ است، نه ترسی بر آنهاست و نه اندوهگین می‌شوند.
۱۲. ما پیامبران را، جز به عنوان بشارت دهنده و بیم دهنده، نمی‌فرستیم؛ کسانی که ایمان بیاورند و عمل صالح انجام دهند، نه ترسی بر آنهاست و نه اندوهگین می‌شوند.

فهرست منابع

قرآن‌کریم، ترجمه مکارم شیرازی.

نهج‌البلاغه، شریف رضی. ترجمه: محمد دشتی. تهران: انتشارات نیلوفرانه.

۱) ابن‌عاشور، محمدبن طاهر. (۱۴۲۰ق). **التحریروالتنویر**. بیروت: مؤسسۀ التاریخ العربی.

۲) ابن‌منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق). **لسان العرب**. بیروت: دارصادر.

۳) بروجردی، محمد ابراهیم. (۱۳۶۶). **تفسیر جامع**. تهران: کتابخانه صدر.

۴) جوادی‌آملی، عبدالله. (۱۳۸۹). **تفسیرتسنیم**. تحقیق: احمد قدسی. چاپ پنجم. بی‌جا: مجله بنیاد بین المللی علوم وحیانی اسراء.

۵) حجازی، محمدمحمود. (۱۴۱۳ق). **التفسیرالواضح**. بیروت: انتشارات دارالجیل الحدید.

۶) حسینی شیرازی، سیدمحمد. (۱۴۲۴ق). **تقریب القرآن الی الاذهان**. بیروت: انتشارات دارالعلوم.

۷) حقی بروسوی، اسماعیل. (بی‌تا). **روح البیان**. بیروت: دارالفکر.

۸) راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۳۷۵ش). **ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن‌کریم**. ترجمه: سید غلامرضا خسروی حسینی. بی‌جا: انتشارات مرتضوی.

۹) رضایی اصفهان، محمدعلی. (۱۳۸۷ه.ش). **تفسیر قرآن مهر**. قم: پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن.

۱۰) زمخشری، محمود بن عمر. (۱۴۰۷ق). **الکشاف**. بیروت–لبنان: دارالکتب العربی.

۱۱) شبر، سید عبدالله. (۱۴۱۲ق). **تفسیر القرآن الکریم**. بیروت: دارالبلاغه و النشر.

۱۲) شعراوری، محمد متولی. (۱۹۹۱م). **الشعراوی**. بیروت–لبنان: ادارۀ الکتب المکتوبات.

۱۳) طالقانی، محمود. (۱۳۶۲ه.ش). **پرتوی از قرآن**، بی‌جا: شرکت سهامی انتشارتهران.

۱۴) طباطبائی، محمد حسین. (۱۳۷۵). **ترجمه تفسیرالمیزان**. ترجمه: سید محمدباقر موسوی همدانی. بی‌جا: دفتر انتشارات اسلامی

۱۵) طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). **مجمع البیان فی تفسیرالقرآن**. تهران: انتشارات ناصر.

۱۶) طبری، محمد بن جریر. (۱۴۱۲ق). **جامع البیان فی تفسیرالقرآن**. بیروت: انتشارات دارالمعرفه.

۱۷) طوسی، محمدبن حسن. (بی‌تا). **تبیان فی تفسیرالقرآن**. بیروت–لبنان: دار الاحیاء التراث العربی.

۱۸) فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۱۰ق). **کتاب العین**. قم: انتشارات هجرت.

۱۹) فخر رازی، محمدبن عمر. (۱۴۲۰ق). **مفاتیح الغیب**. بیروت–لبنان: دارالاحیاء التراث العربی.

۲۰) فیض کاشانی، محمدبن شاه مرتضی. (۱۳۷۳). **الصافی**. تهران: مکتبه الصدر.

۲۱) قرائتی، محسن. (۱۳۸۸ه.ش). **تفسیر نور**. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.

۲۲) قطب، سید. (۱۴۰۸ق). **فی ضلال القرآن**. بیروت–لبنان: دارلشروق.

۲۳) قمی، علی بن ابراهیم. (۱۳۶۳ه.ش). **تفسیر قمی**. قم: دارالکتاب.
۲۴) قمی مشهدی، محمدبن محمدرضا. (۱۳۶۸ش). **کنزالدقائق و بحرالغرائب**. تحقیق: حسین درگاهی. تهران: سازمان چاپ و انتشارات ارشاد اسلامی.
۲۵) مغنیه، محمدجواد. (۱۴۲۴). **تفسیر الکاشف**. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۶) مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۳ق). **بحارالانوار**. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۷) محمدی ری شهری، محمد. (۱۳۸۴ش). **میزان الحکمه**. قم: دارالحدیث.
۲۸) مصباح یزدی، محمد تقی. (۱۳۸۰ش). **اخلاق در قرآن**. بی‌جا: انتشارات مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (قدس).
۲۹) مصطفوی ،حسن. (۱۳۶۰ش). **التحقیق فی کلمات القران الکریم**. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۳۰) مطهری، مرتضی. (۱۳۷۱ق). **تعلیم وتربیت دراسلام**. تهران: انتشارات صدرا.
۳۱) مطهری، مرتضی. (۱۳۸۹). **آشنایی با قرآن**. تهران: انتشارات صدرا.
۳۲) مظهری، محمدثناءالله. (۱۴۱۲ق). **التفسیرالمظهری**. تحقیق غلام نبی تونسی. پاکستان: مکتبه رشیدیه.
۳۳) مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴ش). **تفسیر نمونه**. تهران: دارالکتب اسلامیه.
۳۴) مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۰). **ترجمه قرآن**. تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.

مقالات

۱) ارانی کاویانی، محمد؛ اکبیا، امیر. (۱۴۰۱). «تبیین «مدل عملکردی انفاق» در«کاهش خوف وحزن» براساس منابع اسلامی». *فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی*، ش۵۲، صص: ۳۹-۶۴.
۲) امانی، رضا. (۱۴۰۴). «سبک‌شناسی لایه نحوی در تعبیر قرآنی «لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»». *مطالعات سبک-شناختی قرآن‌کریم*. سال نهم، شماره هفدهم.
۳) شیشه‌چی، زینب؛ شاه پسند، الهه. (۱۳۹۷). «بررسی مصونیت اولیای الهی ازخوف وحزن بامحوریت «أَلا إِنَّ أَوْلِياءَ اَللّهِ لا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لا هُمْ يَحْزَنُونَ»». *مجلات مشکوة* بهار. ش ۱۳۸۶، ص۴۹-۶۶

التنظيرات و النقد في الأدب العربي

السنة الثالثة، العدد ١١، خريف ١٤٠٢

صص: ١٠٤-٨٣

DOI: ١٠,٢٢٠٣٤/JRAL.٢٠٢٦,٥٦٦٢٦٨,١٠٨٨

دراسة تفسيرية للآيات التي تنتهي بـــ "لا خوف عليهم وهم حزينون" من منظور تعليمي

زهرا اكبرى [١]

سيده فرناز اتحاد [٢]

وحيده قاسمزاده [٣]

(تاريخ الوصول: ١٤٠٤,٠٩,٢٣، تاريخ القبول: ١٤٠٤,١٠,١٢)

الملخص

في القرآن الكريم، تنتهي اثنتا عشرة آية بعبارة "لا خوف عليهم ولا هم يحزنون"، وهي إشارة إلى نوع من الثواب والأمان النفسي للمؤمنين في الدنيا والآخرة. يُعدّ الخوف والحزن من أهمّ العوائق التي تحول دون راحة الإنسان وأمنه النفسي، مما يجعله عرضةً لمصاعب الحياة ومعاناتها. وقد عبّر القرآن الكريم، بوصفه مصدراً للهداية، عن مسألة نجاة الإنسان بأساليب متنوعة. تناولت هذه الدراسة، بمنهج وصفي تحليلي، تفسير الآيات التي تنتهي بعبارة "لا خوف عليهم ولا هم يحزنون". وتُظهر النتائج أن مستوى معرفة المؤمنين وإيمانهم وسلوكهم يلعب دوراً حاسمًا في تحقيق نفي الخوف والحزن، وأن هذه الخصائص، بالإضافة إلى ثواب الآخرة، تُوفر لهم أيضًا راحة البال والأمان النفسي في الدنيا. تم تحليل الآيات قيد الدراسة باستخدام التفسيرات والترجمات، وتبين أن نفي الخوف والحزن هو نتيجة العبادة الخالصة، والالتزام بالواجبات، والإنفاق غير الضروري، والإحسان من جانب المؤمنين أمام الله، وهذه الحالة تتحقق لهم في الدنيا والآخرة.

الكلمات المفتاحيّة: الخوف، الحزن، الثواب، الدنيا والآخرة، مراجعة ترجمة القرآنالكريم.

---

١. أستاذ مساعد قسم علوم القرآن والحديث، كلية العلوم الإنسانية، جامعة كوثر بجنورد، بجنورد، إيران، البريد الإلكتروني: Kosar@gmail.com

٢. أستاذ زائر قسم علوم القرآن والحديث، كلية العلوم الإنسانية، جامعة كوثر بجنورد، بجنورد، إيران، البريد الإلكتروني: farnazettehad٩٦٨@gmail.com (المؤلف المسؤول)

٣. طالبة ماجستير قسم علوم القرآن والحديث، كلية العلوم الإنسانية، جامعة كوثر بجنورد، بجنورد، إيران، البريد الإلكتروني: w٣٥٣٣٤٧١٥@gmail.com